

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

تحركات سياسى در آسياى مركزى و بحران حكومتدارى در افغانستان حيات خلوت مفرزه‌هاى مجهز با اجنداهاى چند مليتى عدم موجوديت نظام سياسى مستحکم و استخوان دار

تداوم "بازى بزرگ" بمثابه سرگرمى‌هاى ايالات متحده
گسترش و توسعه "شرکت‌هاى چند مليتى" در سراسر جهان
جنبه‌هاى پيدا و پنهان وضعيت سياسى - اجتماعى کشور
مشروعيت دموکراسى در عمل

در مورد آسیب‌ها و معضلات حکومتدارى در کشور عزیز ما افغانستان بايست خاطر نشان نمود که دولت ملی بمثابه یک ساختار مدرن با عملکردهاى فراوان و تعريف شده در همه کشورها بیک نوع توسعه نمیابد. عوامل گوناگون و مختلف از نوع فرهنگ سياسى، توانايى اقتصادى، ترکیب قومى و مذهبی گرفته تا ژئوپوليتیک کشورها روى روند دولت‌سازى تأثیر گذار مى باشد. از سوى دیگر، اراده نخبگان سياسى، بويژه در کشورهاى جهان سوم، معطوف بایجاد ساختار واقع‌ملى مبتنى بر اهداف فراگیر، روى چگونگی ایجاد و پایه‌گذاری ساختار دولت ملی اثرگذار می‌باشد. بسيارى از کشورهای جهان سوم در مسیر حرکت به گفتمان دولت‌سازى، باشکست‌مواجه مى گردند. حال زمان ارائه پاسخ باین پرسش مطرح می‌گردد که در اثر چه عامل یا عامل‌هاى، دولتهاى پسا استعمارى تصویر مؤفقت‌آمیزی نداشته‌اند؟ در واقعیت امر، اصطلاحات شبه دولت، دولت پسا استعمارى، دولتهاى ناکام و ضعيف نشانى از ناکارآمدی واحدهاى کشورى در دور ان معاصر است. تهديدهاى دولت‌سازى را ميتوان در یک دسته بندى کلا بن دو شکل داخلى و خارجى تقسیم نمود. این دودسته از عوامل در حالى که بدلیل ماهیت مرزى از هم متمایزند، اما درهم تنیده و مکمل همدیگرند.

در سرآغاز بحث حاضر، تذکر این مسأله لازمی بنظر مى رسد که آسياى مرکزی بگونه سنتى بمثابه منطقه‌اى از "بازى بزرگ" پنداشته شده که قدرت‌هاى پیشرو جهان بمنظور نفوذ بر آن برقايت و زور آزمایى با یکدیگر مشغول مى باشند. در آستانه اجلاس ماه سپتامبر سال روان، رهبران کشورهاى عضو سازمان همکاری‌هاى شانگهای، شاهد تشدید رقابت‌ها در آسياى مرکزی بودیم. در مورد رزمایش‌هاى نظامى امریکایى‌ها با شرکت و سهمگیری نیروهاى مسلح تاجیکستان، قزاقستان، قرغیزستان و ازبکستان شاهد مدعاى فوق مى باشد. اما در مورد وضعیت و چگونگی اوضاع در امتداد مرزهاى افغان - تاجیک، این پرسش مطرح گردد که آیا ایده و مفکوره ایجاد و پایه‌گذاری اتحادیه کشورهاى ترک نژاد که در برگیرنده کشورهاى ترکیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از مدت‌ها قبل مطرح گردیده، واقعا عملی بوده و امکان پذیر پنداشته مى شود؟

البته که موضوع متذکره را نمی توان مورد تردید قرار داد. اما پرسش دیگری نیز در زمینه بمیان مى آید و آن اینکه در شرایط و وضعیت کنونی، بويژه بدلیل موجودیت بحران اقتصادى در ترکیه و بگونه منحصر بفردی، وضعیت در مناطق کردنشین آن کشور در شرف تبدیل شدن بیک بحران سياسى مى باشد. آیا ترکیه قادر خواهد بود تا در قبال وضعیت در شرف تکوین در آن کشور ایستادگی و مقاومت نماید؟ پرسش مطرح شده، در نوع خود، از اهمیت ویژه‌اى برخوردار مى باشد. از همین اکنون، بايست اقدامات پیشگیرانه‌اى در مورد بعمل آید.

اما درباره مسایل و قضایای مربوط بکشور عزیز ما افغانستان بايست یاددهانى بعمل آید که نباید بهیچوجه از این پرسش طفره رفت که آیا امکانات و زمینه‌هاى کنار آمدن با "طالب"‌ها در افغانستان بمنظور انجام مبارزه علیه

"داعش" و اقدامات مشترک علیه تهدید های موجود از جانب "طالب" های پاکستانی عملن موجود می باشد؟ در این مورد قابل یاددهانی پنداشته می شود که اما در باره سازماندهی و ایجاد تعامل با گروه یادشده، تردیدهایی موجود می باشد.

نباید فراموش خاطر ما گردد که موجودیت ملاحظاتی در مورد چگونگی استقرار امنیت در آسیای مرکزی، ضرورت تأمین ارتباط های کاری مؤثر کشورهای همجوار افغانستان با "طالب" ها را در دستور روز قرار می دهد. با در نظر داشت واقعیت های جامعه ما، در شرایط و وضعیت کنونی، ایجاد و پایه گذاری دولت و حاکمیت فراگیر برای "طالب" ها زیان آور محسوب می گردد. از نقطه نظر سیاسی، تکوین گزینه یادشده بگونه منحصر بفردی از این جهت ک آنها قادر به تصرف صفحات شمال کشور نگردیده و نتوانستند بگونه تمام عیاری بر آن مسلط گردند، بخودی خود بمفهوم ضعف "طالب" ها تلقی می گردد. در وضعیت اینچنینی و در موقعیت یادشده، اصلن مسأله تشکیل و ایجاد دولت فراگیر بخودی خود، دچار لنگش گردیده که این خود، از شکست سیاسی در این عرصه نمایندگی می نماید.

در مورد نحوه موضعگیری و موقف کنونی "طالب" ها چنین ابراز نظرهایی نیز موجود می باشد که در نحوه و چگونگی عملکردهای "طالب" های کنونی با دوره نخست حاکمیت آنها در کشور، تفاوت ها و تمایزهایی بنظر می رسد. بهر حال، دلیل اصلی و عمده عدم برسمیت شناختن کامل آنها، بی توجهی "طالب" ها بقوانین و ضوابط بین المللی پنداشته می شود. اما نباید فراموش نمود که قدرت کنونی "طالب" ها اصلن از کسانی که برای بار نخست ب قدرت رسیدند، سرچشمه و منشأ نمی گیرد. اینها مقدم بر همه، افرادی بحساب می آیند که بو یژه در قبال برنامه های بین المللی، خواهان افغانستان بمتابیه یک کشور اسلامگرای بسته می باشند، از این رهگذر "طالب" ها با وضعیت نهایت حساسی روبرو می باشند. چنین تصور می گردد که آنها باید روی تیغ راه بروند، آیا آنها قادر ب انجام چنین کاری خواهند بود؟ پرسشی است نهایت مهم و درخور توجه.

عده ای هم بگونه بدعت آمیزی چنین می پندارند که تا حد زیادی بایست به "طالب" ها باورد داشت. اما آنها از مرزهای کشور نظارت آنچنانی بعمل نمی آورند. "طالب" ها بمتابیه یک مجموعه بهم پیوسته پنداشته نمی شوند تا بایجاد و پایه گذاری سیستم اداره دولتی دارای سلسله مراتب اقدام نموده و در زمینه بفعالیست عملی مبادرت ورزند.

این واقعیت را نباید از نظر دور نگه داشت که به محض آنکه آنها بسازماندهی یک سیستم دولتی و اداره اقدام نموده و جهت پایه گیری و استقرار آن سعی نمایند، در چنین وضعیت و حالت اینچنینی، دیگر اصلن طالبی وجود خارجی نخواهد داشت و بسرعت از هم فرو خواهند پاشید. "طالب" ها دارای ساختار شبکه بی بوده که قادراند تا بتصرف اراضی و قلمرو مورد نظر اقدام نموده و توسعه اجتماعی آنها نیز تضمین نمایند، اما اصلن قادر ب ایجاد یک سیستم دولتی نمی باشند.

واقعیت امر اینست که دقیقن، در همه ی خاورمیانه بگونه مجموعی، باستثنای ایران، بحران قدرت خود نمایی می نماید. بگونه نمونه، پاکستان با بحران حکومتداری و دولتمداری وسیع و گسترده ای مواجه می باشد. در مورد کشور اخیر الذکر می توان با صراحت اظهار نمود که وضعیت کنونی در آنجا و بو یژه پس منظر اوضاع آن، بخودی خود بازگوی نقطه پایان گذاشتن به سیستم دولتی و نحوه حکومتداری اساس گذاشته شده توسط محمد علی جناح، بانی و مؤسس آنکشور می باشد.

ذایش و پیدایش پاکستان که بر بنیاد ارزش های اسلامی و مذهبی از قوه ب فعل مبدل گردید، داستان طولانی دارد. درباره میهن عزیز ما بایست یاد آور شد که در شرایط و وضعیت تاریخی کنونی، با بحران پایدار حکومتداری در کشور مواجه می باشیم. در قلمرو و اراضی متعلق با افغانستان، حاکمیتی بمفهوم واقعی کلمه اصلن وجود ندارد. در ایران کشور همجوار افغانستان با بحران اینچنینی مواجه نمی باشیم. اما در کشور یادشده، بحران پایدار تحول و بحران نخبیگان عملن بمشاهده می رسد. بو یژه در نا آرامی های کنونی در آن کشور، دوتن کشته و عده ای هم زخم برداشتند.

با در نظر داشت این واقعیت کاصل قاچاق وسیله ای بنظر بقای قبایل و عشیره های مختلف منطقه پنداشته می شود که با تداوم وضعیت اینچنینی، نمی توان از شکل گیری کانون های تشنج چشم پوشید. هر چند مسأله فوق از نقطه نظر منطقوی امر اجباری و حتمی پنداشته نمی شود، اما بهر حال، این در نوع خود یک روند طبیعی بوده که نباید بهیچوجه بآن کم بها داده شود، بلکه آنها بایست بمتابیه واقعیت مسلم پنداشت. برخی از دولتها با این

بحران کنارمی آیند و برخی از دیگران هم بسادگی از کنار آن رد می شوند.

اما بگونه مشخص درباره مرزهای کشور عزیز ما، طرح این پرسش در خور اهمیت پنداشته می شود کآیا "طالب" ها با استفاده و بکارگیری از آن همه سلاح و تجهیزات بجا گذاشته نظامیان امریکایی برای آنها، قصد حمله به کشور یا کشورهای دیگر را در سر می پروراند یا نه؟

در پاسخ، یاددهانی این موضوع لازمی پنداشته می شود که وضعیت و حالت متذکره صرف در موارد دوگانه ذیل امکان پذیر می باشد: نخست اینکه بگونه نمونه، اگر "طالب" ها چنین تصور نمایند کار دوگاهای آموزشی ضد "طالب" ها در اراضی متعلق به تاجیکستان ایجاد می گردد و همچنان انباشت سلاح و مهمات نظامی در آنجا جنبه عملی بخود اختیار می نماید که چنین وضعیتی، بخودی خود، اسباب تشویش آنها را فراهم خواهد نمود، این اولن و دومین مورد را می توان تلاش "طالب" ها بمنظور رفع بن بست کنونی و نجات از بحران اقتصادی پنداشت.

در وضعیتی که اگر تمامی منابع کمک ها و مساعدت های بین المللی قطع گردد، اصل بقای افغانستان و شهر وندان آن با مشکل مواجه خواهد گردید.

دروضعیت اینچنینی، آیا "طالب" ها از این امکانات برخوردارند تا کشورهای همجوار افغانستان، بویژه تاجیکستان و ترکمنستان و شهروندان و حاکمیت های سیاسی کشورهای یادشده را که در کشورهای یادشده، از قبل هم، مشکلات و معضلات بیشماری عملن موجود می باشد، در هراس قرار دهند؟

علاوه بر آن، در صورت تشدید اختلافات و درگیری، "طالب" ها نیز در صدد دستیابی به دستاوردهای نظامی و جنگی خواهند شد. پس، ترکمنستان، قیل از همه، ساحه و شعاع کارکردها و عملکردهای مسلحانه در منطقه را محدود نموده تا با استفاده از آن وبا نمایش قدرت خویش، طرف مقابل را ناگزیر بمذاکره و گفتگو نماید.

در کشورهای آسیای میانه چنین می پندارند که تهدید اصلی از جانب افغانستان متوجه کشورهای یادشده خواهد گردید. علاوه بر آن، با احتمال اغلب که در کشورهای آسیای میانه، قبل از همه، بدنبال دستیابی براه حلی بمنظور رفع مشکلات اقتصادی خویش می باشند. بگونه عمده، این واقعیت را نباید از نظر دور نگهداشت کاز رهگذر نا آرامی ها که در نتیجه اقدامات نیروها و قوت های خرابکار در سرزمین و اراضی فزاقستان بوجود آمده، عدم ثبات بیش از پیش تشدید گردیده است.

بسیاری از ناظران اوضاع کشور ما مدعی اند که "طالب" ها قادر بدفاع از خویش نمیشوند. از جانب دیگر، بر بنیاد اطلاعات منابع خبری، "داعش" بگونه روز افزونی در کشور بسربازگیری مشغول بوده و در صدد گسترش ساحه نفوذ و تأثیر گذاری در قلمرو و سرزمین متعلق با افغانستان می باشند. اما از جانب دیگر، کارشناسان افغان چنین می پندارند کاعلامیه های پی اندر پی و اشنگتن درباره "مبارزه با تروریسم"، عمدتن بمنظور تحکیم هژمونی ایالات متحده بوده و بستگی بتعریف آنها از تروریسم دارد. عده دیگر چنین می پندارند کایالات متحده در مورد تروریسم، تعریف ها و برداشت های مشخص خویش را داشته و از اصل "مبارزه علیه تروریسم" استفاده افزاری بعمل می آورد. تعریف تروریسم در ایالات متحده بر بنیاد منافع و اشنگتن صورت می گیرد. امریکا با بکارگیری سو اتر و ریزم بمثابه حربه ایی بمنظور توجیه تجاوز و اقدامات تجاوزکارانه اش علیه کشورهای مستقل در صدد آن می باشد تا با اقدامات تجاوزکارانه اش شکل قانونی بخشد. تجاوز ایالات متحده بقلمرو و اراضی کشور ما به بهانه "مبارزه علیه تروریسم"، باین امر منتج گردید که در وضعیت حاضر، بیش از ۲۰ گروه و دسته بندی تروریستی در کشور ما پابعرصه وجود گذاشته و وارد عرصه نبرد گردند. بگفته کارشناس ها، امریکایی ها بمنظور "مبارزه علیه تروریسم"، در کنار مسایل و موضوعات قبلن گفته آمده، بمنظور نظارت به تولید و قاچاق مواد مخدر و احیای مجدد افغانستان به کشور ما تهاجم نمودند، اما در نتیجه، عملکردهای آنها نتایج معکوسی ببار آورد. چه، در وضعیت کنونی، تولید و قاچاق مواد مخدر وسعت حاصل نموده و شهروندان کشور در فقر و گرسنگی دست و پا می زنند.

نتایج مبارزه و درگیریهای مسلحانه ایالات متحده در افغانستان، عراق، سوریه و لیبیا بهمگان واضح و مبرهن می باشد. در امتداد ۲۰ سال موجودیت و حضور نظامیان امریکایی در کشور ما، شهروندان کشور اصلن شاهد هیچگونه تحول اقتصادی در کشور نبوده و در حیات شهروندان کشور، اصلن بهبودی ملموسی رونما نگردید.

شنبه ۲ ماه میزان سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۴ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲ ترسایی